

که در ابواب گوناگون فقهی از جمله نماز، حج، نکاح، و صید و ذباحت، مشمول احکام تکلیفی پنج گانه<sup>۲</sup> (وجوب، استحباب، کراهت، حرمت و اباحت) است. اصطلاح قبله\* از همین ریشه به معنای جهت قرار گرفتن نماز گزار یا هر شخصی است که رو به خانه کعبه قرار می گیرد.<sup>۳</sup>

استقبال از شرایط صحت برخی عبادات مانند نماز واجب به شمار می رود. در برخی حالات، استقبال (رو به قبله بودن) یا استدبار (پشت به قبله بودن) مشمول حکم حرمت یا کراهت است. در پاره ای موارد نیز استقبال مستحب شمرده می شود و در دیگر موارد مشمول حکم جواز به معنای خاص است.

پیش از اسلام، بیت المقدس\* سرزمین مطلوب همه ادیان الهی بود. پس از بعثت نیز این سرزمین نخستین قبله مسلمانان به شمار می رفت. این ویژگی تا دومین سال هجرت پیامبر گرامی ﷺ به مدینه تداوم یافت.<sup>۴</sup> بر پایه برخی روایت ها<sup>۵</sup> پیامبر ﷺ به سبب دل بستگی خاص خود به خانه کعبه، تا هنگامی که در مکه اقامت داشت، در مکانی نماز می گزارد که هم رو به کعبه باشد و هم بیت المقدس.

۲. المهذب البارع، ج ۱، ص ۳۰۴.

۳. البحر الرائق، ج ۱، ص ۴۹۳.

۴. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۵. الطبیقات، ج ۱، ص ۲۴۱، ۲۴۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۵.

به کوشش حمدی عبدالمجید، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ معجم ما استعجم: عبدالله البکری (م. ۴۸۷ق.)، به کوشش السقاء، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ق؛ مفردات: الراغب (م. ۴۲۵ق.)، نشر الکتب، ۱۴۰۴ق؛ مکارم الاخلاق: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۲ق؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ میراث شهاب (فصلنامه): قم، کتابخانه نجفی؛ میقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل البیت (ع. ۱۴۱۲ق)؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶م؛ وقعة صفین: ابن مزاحم المنقری (م. ۲۱۲ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، مکتبة النجفی، ۱۴۰۴ق.

www.emaratalyout.com

حامد خراسانی



## استقبال (۲): روی کردن به سوی کعبه

واژه استقبال از ریشه «ق - ب - ل» به معنای پیش آمدن، روی آوردن و روبه رو شدن است.<sup>۱</sup> این واژه در فقه اسلامی کاربردهای گوناگون دارد که رایج ترین گونه آن در متون دینی و فقهی، روی آوردن به سوی کعبه است

۱. العین، ج ۵، ص ۱۶۶؛ الصحاح، ج ۵، ص ۱۷۹۵؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۵۲۷، «قبل».

ولی به سبب موقعیت جغرافیایی مدینه که در شمال مکه، بین مکه و بیت المقدس، قرار داشت، در مدینه نماز گزاردن به سوی کعبه امکان پذیر نبود. از این رو، یهودیان مدینه به ایشان طعنه می زدند. سرانجام آیه ۱۴۴ بقره/۲ برای تغییر قبله\* از بیت المقدس به کعبه، به سال دوم هجرت فرود آمد.<sup>۱</sup> (← تغییر قبله)

معنای سوی و جهت است.<sup>۸</sup> ب. روایت نبوی که جهت قبله خاص مردم ساکن در فاصله مشرق و مغرب، یعنی مردم مدینه و شام و مناطق میان دو نصف النهار این دو نقطه، است.<sup>۹</sup> ج. در نماز جماعت هرگاه درازای صف جماعت از ابعاد دیوار کعبه بیشتر شود، نماز افرادی که روبه روی دیوار کعبه نیستند، باطل شمرده نمی شود. پس خود ابعاد کعبه، قبله نیست.<sup>۱۰</sup> د. اگر قبله عین کعبه باشد، چه بسا تکلیف به استقبال، تکلیف به محال می شود؛ زیرا هیچ کس نمی تواند از فاصله های دور دقیقاً رو به کعبه بایستد.<sup>۱۱</sup>

### ◀ دیدگاه های اصلی درباره جهت قبله:

همه فقیهان مذاهب اسلامی بر آنند که قبله کسی که نزدیک کعبه قرار دارد و آن را می بیند، خود بنای کعبه است.<sup>۲</sup> درباره قبله کسانی که از کعبه دورند و آن را نمی بینند، دیدگاه ها مختلف است:

۲. شافعیان<sup>۱۲</sup> و بیشتر فقیهان شیعه<sup>۱۳</sup> بر این باورند که استقبال به خود کعبه برای همگان واجب است و میان کسانی که نزدیک کعبه قرار دارند و آنان که دور هستند، تفاوتی نیست. پشتوانه شافعیان این حدیث پیامبر گرامی ﷺ است که با اشاره به خانه کعبه فرمود: این قبله است.<sup>۱۴</sup> این سخن پیامبر ﷺ

۱. از دیدگاه حنفیان<sup>۳</sup>، حنبلیان<sup>۴</sup>، مالکیان<sup>۵</sup> و شماری از فقیهان امامی<sup>۶</sup> قبله آنان خود کعبه نیست، بلکه جهت و سمتی است که کعبه در آن قرار دارد. مهم ترین ادله اینان عبارتند از: ا. آیه ۱۵۰ بقره/۲ که روی آوردن به سوی کعبه را فرمان داده است.<sup>۷</sup> ﴿وَحَيْثُمَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ﴾. واژه «شطر» در این آیه به

۸. لسان العرب، ج ۴، ص ۴۰۸، «شطر».  
 ۹. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۲۳؛ سنن الترمذی، ج ۱، ص ۲۱۴-۲۱۵.  
 ۱۰. المغنی، ج ۱، ص ۴۸۵؛ ذکری، ج ۳، ص ۱۵۸؛ الروضة البهیة، ج ۱، ص ۵۰۰-۵۰۳.  
 ۱۱. تذکره الفقهاء، ج ۳، ص ۷.  
 ۱۲. الام، ج ۱، ص ۱۱۴؛ المجموع، ج ۳، ص ۲۰۸-۲۰۹.  
 ۱۳. نک: الخلاف، ج ۱، ص ۲۹۵؛ مستند الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۱؛ جواهر الکلام، ج ۷، ص ۳۲۸.  
 ۱۴. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۰۴؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۹۷.

۱. الطبقات، ج ۱، ص ۲۴۱-۲۴۳؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۵.  
 ۲. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۷۷؛ المبسوط، سرخسی، ج ۱۰، ص ۱۹۰؛ المغنی، ج ۱، ص ۴۵۶.  
 ۳. المبسوط، سرخسی، ج ۱۰، ص ۱۹۰-۱۹۱.  
 ۴. المغنی، ج ۱، ص ۴۵۶-۴۵۷.  
 ۵. مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۱۹۵.  
 ۶. ارشاد الاذنهان، ج ۱، ص ۲۴۴؛ مجمع الفائدة، ج ۲، ص ۵۷.  
 ۷. المعتبر، ج ۲، ص ۶۵.

۳. دیدگاه شماری از فقیهان نخستین آن است که کعبه قبله اهل مسجدالحرام؛ مسجدالحرام قبله مکیان؛ و حرم مکه قبله دیگران است.<sup>۷</sup> پشتوانه صاحبان این رأی، حدیث‌هایی از پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام است.<sup>۸</sup> محمد بن ادریس شافعی برای اثبات قبله بودن جهت کعبه، به همین حدیث‌ها استناد کرده است.<sup>۹</sup> شماری از فقیهان افزون بر مناقشه در سند، دلالت آن‌ها را با توجه به روایت‌های متعارض نپذیرفته‌اند.<sup>۱۰</sup> اندکی از فقیهان به پشتوانه برخی حدیث‌ها<sup>۱۱</sup> حدود قبله را مغرب تا مشرق (۱۸۰ درجه) دانسته‌اند که بیشتر فقیهان آن را نپذیرفته‌اند.<sup>۱۲</sup>

#### ◀ قبله بودن راستای عمودی کعبه:

فقیهان شیعه<sup>۱۳</sup>، شافعی<sup>۱۴</sup>، حنبلی<sup>۱۵</sup> و حنفی<sup>۱۶</sup>

۷. المراسم العلویه، ص ۶۰-۶۱: الخلاف، ج ۱، ص ۲۹۵؛ مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۸. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۲؛ السنن الکبری، ج ۲، ص ۱۰؛ التهذیب، ج ۲، ص ۴۴.

۹. نک: نیل الاوطار، ج ۲، ص ۱۸۰.

۱۰. تلخیص الحبیب، ج ۳، ص ۲۰۹؛ مستمسک العروه، ج ۵، ص ۱۷۷.

۱۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۸؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۰۰.

۱۲. نک: مجمع الفائدة، ج ۲، ص ۵۸-۶۰؛ جواهر الکلام، ج ۷، ص ۳۴۲-۳۴۳؛ دروس فی معرفه الوقت، ص ۴۳۴.

۱۳. الدروس، ج ۱، ص ۱۵۸-۱۵۹.

۱۴. فتح العزیز، ج ۳، ص ۲۲۰.

۱۵. المغنی، ج ۱، ص ۴۵۹.

۱۶. المبسوط، سرخسی، ج ۲، ص ۸۰؛ الدر المختار، ج ۱، ص ۴۶۵-۴۶۶.

مطلق است و همگان را، خواه از کعبه دور باشند یا به آن نزدیک، در برمی‌گیرد. فقیهان شیعه نیز افزون بر روایت نبوی یاد شده به حدیث‌هایی از امامان معصوم علیهم السلام استناد کرده‌اند که در آن‌ها به صراحت عین کعبه یا بیت الله قبله مسلمانان معرفی شده است؛<sup>۱</sup> از جمله: ا. روایت‌های دلالت‌گر بر قبله قرار گرفتن کعبه از جانب پیامبر ﷺ پس از بیت المقدس.<sup>۲</sup> ب. حدیث‌هایی که بر قبله بودن عین کعبه و عمق و ارتفاع آن تصریح دارند.<sup>۳</sup> ج. حدیث‌های دلالت‌گر بر قبله بودن بیت الله الحرام.<sup>۴</sup> از آن‌جا که این حدیث‌ها اطلاق دارند، افراد دور و نزدیک را در بر می‌گیرند. افزون بر این روایت‌ها، به اصل استصحاب اشتغال ذمه کسی که به سوی خود کعبه نماز نگزارده، استناد کرده‌اند.<sup>۵</sup> گفتنی است که مقصود از استقبال به عین کعبه، استقبال عقلی و حقیقی نیست تا این کار، به ویژه برای استقبال کنندگان از راه دور، محال شمرده شود؛ بلکه معیار استقبال عرفی است.<sup>۶</sup>

(← قبله یابی\*)

۱. مستند الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۱-۱۵۲.
۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۵؛ التهذیب، ج ۲، ص ۴۳.
۳. التوحید، ص ۲۵۳؛ التهذیب، ج ۲، ص ۳۸۳.
۴. معانی الاخبار، ص ۱۱۷؛ بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۶۸.
۵. مستند الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۲.
۶. مستند الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۲؛ جواهر الکلام، ج ۷، ص ۳۲۹؛ فقه الصادق، ج ۴، ص ۹۰.

به دست آورد، به باور فقیهان شیعه<sup>۴</sup> و شماری از فقیهان اهل سنت<sup>۵</sup> باید به چهار سمت نماز بخواند و اگر نتواند، به انتخاب خود، به یک سو نماز بگزارد.<sup>۶</sup> پشتوانه فقیهان شیعه، حدیث امام صادق علیه السلام در این زمینه است.<sup>۷</sup> بیشتر فقیهان اهل سنت نماز گزاردن به یک جهت را کافی شمرده‌اند.<sup>۸</sup> پشتوانه آن‌ها این است که اگر به چهار سو نماز گزارده شود، قطعاً سه سوی آن قبله نیست و نماز گزاردن به سمتی جز قبله ممنوع است.<sup>۹</sup> (← قبله‌یابی)

از گفتارهای دانشوران امامی در مبحث استقبال، «تیسر» (اندکی تمایل به سوی چپ) برای مردم عراق هنگام استقبال<sup>۱۰</sup> است که شماری از فقیهان نخستین شیعه به وجوب آن باور داشته‌اند.<sup>۱۱</sup> این بدان معنا است که مردم آن سرزمین برای استقبال باید اندکی به سوی چپ قبله گرایش یابند. بیشتر دانشوران نخستین و برخی دیگر به استحباب آن باور داشتند.<sup>۱۲</sup> پشتوانه گروه نخست، اجماع<sup>۱۳</sup> و برخی

عین کعبه و نیز عمق آن تا زیر زمین و ارتفاع بالای آن تا آسمان را قبله می‌دانند. به دیگر سخن، اگر خطی عمودی از بام کعبه تا آسمان و از زمین کعبه تا اعماق زمین کشیده شود، آن خط فرضی قبله به شمار می‌رود. از این رو، در قله کوه‌های پیرامون مکه نیز می‌توان به سوی این خط فرضی نماز گزارد. استقبال بیشتر افراد زمین، با توجه به کروی بودن آن، همین سان است. پشتوانه فقیهان امامی، حدیث‌های گوناگون از جمله روایتی از امام صادق علیه السلام است که به صراحت این خط فرضی را قبله شمرده است.<sup>۱</sup> مالکیان چنین مفهوم گسترده‌ای را برای قبله نمی‌پذیرند.<sup>۲</sup>

◀ **شناخت جهت قبله:** برای شناخت جهت قبله در مرحله نخست باید به دلیل یقینی و علم‌آور رجوع کرد و در صورت نبود چنین دلیلی، باید به امارات ظن‌آور استناد کرد. این امارات از راه‌های گوناگون مانند قواعد دانش هیئت و نشانه‌های جغرافیایی (وضعیت خورشید و ماه و ستارگان) و اجتهاد و جست‌وجوی شخصی و خبر اطمینان‌آور حاصل می‌شود.<sup>۳</sup> اگر نماز گزار از هیچ راهی نتواند جهت قبله را

۱. التهذیب، ج ۲، ص ۲۸۳؛ دروس فی معرفة الوقت، ص ۵۱۱-۵۱۳

۲. نک: مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۲۰۲؛ حاشیه الدسوقی، ج ۱، ص ۲۲۹

۳. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۷۸؛ تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۲۰

۴. المقننه، ص ۹۶؛ النهایه، ص ۶۳

۵. حاشیه رد المحتار، ج ۱، ص ۴۶۸-۴۶۹

۶. المقننه، ص ۹۶؛ النهایه، ص ۶۳

۷. الاستبصار، ج ۱، ص ۲۹۵-۲۹۶

۸. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۲۰

۹. حاشیه رد المحتار، ج ۱، ص ۴۶۸-۴۶۹

۱۰. نک: الرسائل التسع، ص ۳۲۷

۱۱. المقننه، ص ۹۶؛ الخلاف، ج ۱، ص ۲۹۷

۱۲. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۵۲؛ ارشاد الأذهان، ج ۱، ص ۲۴۵

۱۳. الخلاف، ج ۱، ص ۲۹۷

که در حال سفر و سوار بر مرکب ادا شود، لازم نشمرده‌اند.<sup>۱۰</sup> ضرورت استقبال در نماز، افزون بر نمازهای واجب روزانه، شامل دیگر نمازهای واجب مانند نماز آیات و نماز میت و نیز نمازهای مستحبی می‌گردد که در حال استقرار ادا می‌شوند.<sup>۱۱</sup>

۲. **حرمیت استدبار در نماز:** به باور فقیهان مذاهب اسلامی، از باطل کننده‌های نماز، استدبار یعنی پشت کردن به قبله، به صورت عمدی، است.<sup>۱۲</sup> فقیهان شیعه به پشتوانه حدیث‌ها<sup>۱۳</sup> بر آنند که اگر نماز گزار از روی فراموشی یا اشتباه به سمتی جز قبله، با انحراف زیاد، نماز بگزارد و پیش از گذشتن وقت نماز به این خطا پی ببرد، باید آن نماز را دیگر بار ادا کند و اگر وقت نماز گذشته باشد، تنها هنگامی ادای دیگر بار نماز لازم است که معلوم شود دقیقاً پشت به قبله نماز گزارده است.<sup>۱۴</sup>

فقیهان اهل سنت درباره نمازی که به اشتباه پشت به قبله برگزار شود، دیدگاه‌های گوناگون دارند. حنفیان گفته‌اند: اگر نماز گزار

حدیث‌های پیشوایان معصوم علیهم‌السلام و پشتوانه گروه دوم برای بطلان دیدگاه نخست، ضعف سند روایت‌ها و نبود اجماع است.<sup>۱۵</sup> بیشتر دانشوران متأخر یا این مسئله را به میان نیاورده‌اند و یا جایز نبودن آن را باور دارند.<sup>۱۶</sup> پیروان این دیدگاه نیز ادله‌ای دارند؟<sup>۱۷</sup> از جمله دقیق نبودن قبله محراب‌های عراق در آن دوران.<sup>۱۸</sup> (← قبله یابی)

◀ **استقبال در نماز:** احکام تکلیفی و وضعی استقبال، این موارد را در بر می‌گیرد:

۱. **نماز واجب:** به باور فقیهان شیعه<sup>۱۹</sup> و اهل سنت<sup>۲۰</sup> استقبال از شرایط صحت نماز است. مهم‌ترین پشتوانه آن‌ها آیات قرآن (بقره/۲، ۱۴۴، ۱۵۰) و روایات هستند.<sup>۲۱</sup> البته در وضعیت خاص، مانند هراس از خطر جانی و بیماری سخت، استقبال لازم نیست و احکامی ویژه دارد.<sup>۲۲</sup> حنفیان استقبال را در نماز واجبی

۱. فقه الرضا، ج ۹۸؛ الکافی، ج ۳، ص ۴۸۷-۴۸۸؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۲-۲۷۵.
۲. مختلف الشیعه، ج ۲، ص ۶۴-۶۵.
۳. جامع المقاصد، ج ۲، ص ۵۷؛ مدارک الاحکام، ج ۳، ص ۱۳۱؛ مستند الشیعه، ج ۴، ص ۱۹۱-۱۹۵.
۴. نک: مدارک الاحکام، ج ۲، ص ۵۷؛ جامع المقاصد، ج ۲، ص ۵۶-۵۷؛ دروس فی معرفه الوقت، ص ۴۱۳-۴۱۶.
۵. نک: بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۵۲-۵۴؛ ج ۹۷، ص ۴۳۳.
۶. النهایه، ص ۶۲-۶۳؛ مختلف الشیعه، ج ۲، ص ۶۰-۶۱.
۷. المبسوط، سرخسی، ج ۱۰، ص ۱۹۰؛ المغنی، ج ۱، ص ۴۴۷؛ المجموع، ج ۳، ص ۱۸۹.
۸. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۶۵۷؛ المستدرک، ج ۴، ص ۲۵۹؛ التهذیب، ج ۲، ص ۴۳-۴۴.
۹. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۸۰؛ المغنی، ج ۱، ص ۴۴۷-۴۴۸؛ مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۱۹۴.

۱۰. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۵۵؛ المغنی، ج ۱، ص ۴۵۴.
۱۱. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۹۵؛ نک: المغنی، ج ۱، ص ۴۵۲.
۱۲. النهایه، ص ۷۰-۷۱؛ المغنی، ج ۱، ص ۴۴۷؛ المجموع، ج ۳، ص ۱۸۹.
۱۳. الکافی، ج ۳، ص ۲۸۴-۲۸۵؛ التهذیب، ج ۲، ص ۴۷؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۲۹۶.
۱۴. الخلاف، ج ۱، ص ۳۰۳.

پس از نماز دریا باید که به سوی قبله نماز نگزارده، نمازش صحیح است.<sup>۱</sup> دیگر مذاهب اهل سنت بر آنند که پشت به قبله نماز خواندن، مایه بطلان و وجوب اعاده آن است. برخی از مذاهب میان نمازگزاری که دقیقاً پشت به قبله نماز گزارده و آن که به سوی راست یا چپ متمایل شده، تفاوت نهاده‌اند.<sup>۲</sup> به باور بیشتر مذاهب اهل سنت، اگر نماز گزار هنگام نماز متوجه شود که رو به قبله نیست، می‌تواند با تغییر دادن جهت خود به سوی قبله، نمازش را ادامه دهد.<sup>۳</sup> به باور مالکیان و حنبلیان، اگر نماز گزار صورت و سینه خود را از سوی قبله برگرداند و پاهایش رو به قبله باشد، نمازش صحیح است.<sup>۴</sup> پشتوانه اهل سنت در این احکام، ادله‌ای چون قیاس، استحسان، اجتهاد و حدیث‌هایی از صحابه است.<sup>۵</sup>

**۳. استقبال در نمازهای مستحب:** در نمازهای مستحبی که در حال استقرار خوانده می‌شوند، استقبال لازم است.<sup>۶</sup> مذاهبی که اقامه نمازهای مستحب را در حال حرکت تجویز

کرده‌اند، استقبال را در نماز در حال حرکت واجب ندانسته‌اند. نظر مشهور فقیهان شیعه چنین است،<sup>۷</sup> هر چند شماری از فقیهان استقبال را تنها در زمان ادای تکبیرة الاحرام لازم شمرده‌اند.<sup>۸</sup> پشتوانه فقیهان شیعه آیه ۱۱۵ بقره/۲: ﴿فَأَيُّكُمْ تَوَلَّوْا فَمَمَّ وَجْهَ اللَّهِ﴾ و حدیث‌های امامان معصوم علیهم‌السلام است.<sup>۹</sup> دیدگاه شافعیان مانند فقیهان امامی است؛ با این تفاوت که در تکبیرة الاحرام، رکوع و سجود، استقبال را لازم دانسته و به جا آوردن رکوع و سجود را در نماز مستحبی که در حالت پیاده‌روی خوانده می‌شود، ضروری شمرده‌اند.<sup>۱۰</sup>

دیگر مذاهب اهل سنت، نماز مستحب را در حال راه رفتن جایز ندانسته<sup>۱۱</sup> و به نبود نص در این زمینه استناد جسته‌اند.<sup>۱۲</sup> حنبلیان<sup>۱۳</sup> و حنفیان<sup>۱۴</sup> رعایت نکردن استقبال در نماز مستحب در حالت سواره را فقط در بیرون از شهر یا هنگام مسافرت، هر چند کوتاه، جایز

۷. مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۱۴۱-۱۴۲؛ جامع المقاصد، ج ۲، ص ۶۵؛ مجمع الفائده، ج ۲، ص ۶۲.

۸. الخلاف، ج ۱، ص ۲۹۸؛ ذکری، ج ۳، ص ۱۹۳.

۹. الکافی، ج ۳، ص ۴۴۰-۴۴۱؛ التهذیب، ج ۳، ص ۲۲۹.

۱۰. الام، ج ۱، ص ۱۱۷-۱۱۸؛ المجموع، ج ۳، ص ۲۳۷.

۱۱. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۵۴؛ المغنی، ج ۱، ص ۴۵۵؛ مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۱۹۶-۱۹۷.

۱۲. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۵۴-۱۵۵.

۱۳. المغنی، ج ۱، ص ۴۵۶-۴۵۵.

۱۴. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۵۴-۱۵۵.

۱. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۲۱؛ المجموع، ج ۳، ص ۲۲۳-۲۲۵.

۳. المبسوط، سرخسی، ج ۱۰، ص ۱۹۴-۱۹۵؛ المجموع، ج ۳، ص ۲۲۵؛ کشاف القناع، ج ۱، ص ۴۴۶.

۴. مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۲۵۹-۲۶۰؛ کشاف القناع، ج ۱، ص ۴۴۶.

۵. نک: المبسوط، سرخسی، ج ۱۰، ص ۱۹۴-۱۹۵؛ کشاف القناع، ج ۱، ص ۴۴۶.

۶. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۷۷.

شمرده‌اند. اما مالکیان تنها در سفر طولانی آن را تجویز کرده‌اند.<sup>۱</sup> فقیهان اهل سنت برای این احکام به آیه ۱۱۵ بقره/۲ و نیز حدیث‌های دلالت‌گر بر تجویز گزاردن نماز مستحب در حالت سواره<sup>۲</sup> استناد کرده‌اند.

فتح مکه به کعبه و نماز گزاردن در آن.<sup>۱۰</sup> ج. نماز گزاردن امام سجاده علیه السلام در کعبه.<sup>۱۱</sup> د. در استقبال، ملاک، جهت کعبه است، نه ساختمان و بنای آن.<sup>۱۲</sup> ه. مسجد بودن کعبه.<sup>۱۳</sup> پشتوانه دانشوران شیعه برای کراهت نماز واجب درون کعبه، روایات است.<sup>۱۴</sup> فقیهان مالکی و حنبلی برای جایز نبودن نماز درون کعبه، چنین استدلال کرده‌اند که به فرمان خداوند، نماز باید به سوی کعبه باشد (بقره/۲، ۱۴۴، ۱۵۰)، در حالی که نماز درون کعبه به سوی کعبه نیست.<sup>۱۵</sup> افزون بر این، چنین نماز گزارری هر چند به سوی کعبه روی نموده، به بخشی دیگر از کعبه پشت کرده و استقبال به جزئی از بنای کعبه که با پشت کردن به جزئی دیگر از کعبه همراه باشد، استقبال به بنای کعبه شمرده نمی‌شود.<sup>۱۶</sup>

**۵. گزاردن نماز بر بام کعبه:** فقیهان شیعه به جواز نماز گزاردن بر بام کعبه در حال اضطرار باور دارند. به باور برخی از دانشوران نخستین، چگونگی این نماز چنین است که نماز گزار به پشت روی بام کعبه قرار گیرد و

۱۰. السنن الکبری، ج ۲، ص ۳۲۸؛ نیل الاوطار، ج ۲، ص ۱۴۵.
۱۱. قرب الاسناد، ص ۲۳.
۱۲. المغتبر، ج ۲، ص ۶۷.
۱۳. المغنی، ج ۱، ص ۷۲۱.
۱۴. الکافی، ج ۲، ص ۳۹۱؛ التهذیب، ج ۲، ص ۳۷۶.
۱۵. المغنی، ج ۱، ص ۷۲۱.
۱۶. المبسوط، سرخسی، ج ۲، ص ۷۹؛ مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۲۰۱-۲۰۲.

۴. **گزاردن نماز درون کعبه:** فقیهان امامی<sup>۳</sup>، شافعی<sup>۴</sup> و حنفی<sup>۵</sup> به صحت گزاردن نماز واجب و مستحب درون کعبه باور دارند؛ یعنی می‌توان به سوی هر یک از چهار دیوار کعبه نماز گزارد. فقیهان امامی گزاردن نماز واجب را درون کعبه، مکروه و گزاردن نماز مستحب را مستحب شمرده‌اند.<sup>۶</sup> فقیهان مالکی<sup>۷</sup> و حنبلی<sup>۸</sup> به صحت نماز مستحب و صحیح نبودن نماز واجب درون کعبه باور دارند. ادله باورمندان به مشروعیت یا استحباب اقامه نماز درون کعبه عبارتند از: ا. مفاد آیه ۱۲۵ بقره/۲ که به تطهیر کعبه برای نماز و عبادت فرمان داده است.<sup>۹</sup> ب. ورود پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله پس از

۱. مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۱۹۶-۱۹۷.

۲. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۳۷-۳۸.

۳. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۸۵-۸۶؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، ص ۱۰؛ المغتبر، ج ۲، ص ۶۶.

۴. روضة الطالبین، ج ۱، ص ۳۲۳.

۵. المبسوط، سرخسی، ج ۲، ص ۷۹.

۶. الجامع للشرائع، ص ۶۴؛ المغتبر، ج ۲، ص ۶۶؛ الدرر، ج ۱، ص ۴۶۶.

۷. مختصر خلیل، ص ۲۱؛ مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۲۰۰.

۸. المغنی، ج ۱، ص ۷۲۱.

۹. احکام القرآن، ج ۳، ص ۲۷۹؛ التبیان، ج ۷، ص ۲۰۹.

در حالی که صورت و جلو بدنش رو به آسمان است، نماز بگزارد و رکوع و سجود را با اشاره به جا آورد.<sup>۱</sup> پشتوانه آن‌ها اجماع و حدیثی از امام رضا علیه السلام<sup>۲</sup> است. اما بیشتر فقیهان متأخر چگونگی این نماز را مانند نماز در وضع عادی می‌دانند، با این تفاوت که به هر سو می‌تواند نماز بگزارد.<sup>۳</sup> فقیهان متأخر با مخدوش دانستن اجماع و سند و متن حدیث پیش گفته، به رکن بودن و وجوب قیام در نماز در حال اختیار استناد می‌کنند؛ اما متن حدیث پیش گفته با احکام قطعی نماز مانند وجوب قیام و رکوع و سجود در صورت توانایی ناسازگار است.<sup>۴</sup> آنان همچنین به روایتی از امام صادق علیه السلام درباره قبله بودن کعبه از اعماق زمین تا فراز آسمان‌ها استناد کرده‌اند.<sup>۵</sup>

فقیهان حنفی، شافعی و حنبلی با شرایطی نماز را بر بام کعبه، به صورت ایستاده می‌دانند که نماز گزار به هر سو می‌تواند آن را به جا آورد. حنفیان گزاردن همه نمازها، خواه واجب و خواه مستحب، را بر روی کعبه

۱. الخلاف، ج ۱، ص ۴۴۱؛ المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۸۵؛ الجامع للشرائع، ص ۶۴.
۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۹۲؛ التهذیب، ج ۲، ص ۳۷۶؛ الخلاف، ج ۱، ص ۴۴۱.
۳. مختلف الشیعه، ج ۲، ص ۶۳-۶۴؛ ذکری، ج ۳، ص ۸۷؛ مدارک الاحکام، ج ۳، ص ۱۲۵.
۴. مختلف الشیعه، ج ۲، ص ۶۳-۶۴؛ ذکری، ج ۳، ص ۸۷؛ مدارک الاحکام، ج ۳، ص ۱۲۵.
۵. التهذیب، ج ۲، ص ۳۸۳؛ مدارک الاحکام، ج ۳، ص ۱۲۲، ۱۲۶.

مکروه شمرده‌اند.<sup>۶</sup> شافعیان تنها در صورت وجود شاخص ثابت (چوب یا وسیله‌ای که آن را روبه‌روی خود قرار دهد)، خواندن نمازهای واجب و مستحب را بر آن صحیح می‌دانند<sup>۷</sup> و بیشتر فقیهان مالکی به بطلان نماز واجب و مستحب بر آن باور دارند.<sup>۸</sup> حنبلیان خواندن نماز واجب را بر روی کعبه از آن جهت صحیح ندانسته‌اند که اقامه نماز باید به سوی کعبه باشد، نه بر روی آن؛ ولی صحت نماز مستحب بر بام کعبه به سبب آسان‌گیری شارع است.<sup>۹</sup> مالکیان نیز چنین استدلال کرده‌اند که همه بنا و فضای کعبه، قبله است، نه بخشی از آن. از این رو، با قرار گرفتن بر روی آن، استقبال تحقق نمی‌یابد.<sup>۱۰</sup>

#### ۶. استقبال به حجر اسماعیل: حجر

اسماعیل\* فضای میان کعبه و دیواری قوسی شکل است که از نزدیک زاویه شمالی کعبه (رکن عراقی) آغاز می‌شود و نزدیک رکن غربی (شامی) پایان می‌یابد. حجر اسماعیل یادگار هنگام ابراهیم و اسماعیل علیه السلام است. فقیهان مذاهب اسلامی اختلاف دارند که آیا حجر اسماعیل جزء کعبه است یا نه. آن دسته از فقیهان شیعه که جزء بودن آن را باور دارند،

۶. المبسوط، سرخسی، ج ۲، ص ۷۹.
۷. روضة الطالبین، ج ۱، ص ۲۲۴.
۸. مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۲۰۴.
۹. المغنی، ج ۱، ص ۲۲۱.
۱۰. مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۲۰۱-۲۰۲.



کعبه با دلیل قطعی یعنی قرآن ثابت شده است، ولی جزء بودن حجر با خبر واحد اثبات گشته که دلیلی ظنی است.<sup>۸</sup> شماری از شافعیان و مالکیان به پشتوانه ادله جزء بودن حجر، صحت نماز به سوی آن را پذیرفته‌اند.<sup>۹</sup> حنبلیان حجر اسماعیل را بخشی از کعبه دانسته و استقبال به آن را در نماز جایز شمرده‌اند.<sup>۱۰</sup> پشتوانه آن‌ها این حدیث نبوی ﷺ خطاب به عایشه است: در حجر نماز بگزار؛ زیرا جزئی از کعبه است.<sup>۱۱</sup>

◀ **استقبال در مناسک حج:** در پاره‌ای از اعمال و مناسک حج، به استقبال به گونه نفی یا اثبات، توجه شده است. در بیشتر اعمال از جمله خلق<sup>۱۲</sup> استقبال مستحب به شمار می‌رود.<sup>۱۳</sup> در همه مذاهب اسلامی، قرار گرفتن کعبه در سمت چپ طواف کننده لازم است. بر این اساس، طواف کننده نباید هنگام طواف رو به کعبه (استقبال) یا پشت به آن (استدبار) کند.<sup>۱۴</sup> بیشتر فقیهان اهل سنت استقبال به کعبه و حجرالاسود را در آغاز

استقبال به سوی آن را در نماز جایز شمرده‌اند.<sup>۱</sup> پشتوانه آن‌ها حدیث‌هایی هستند که برخی همه حجر و بعضی بخشی از آن را جزء بیت الله شمرده‌اند.<sup>۲</sup> اما به باور مشهور فقیهان شیعه، حجر اسماعیل جزء کعبه نیست و از این رو، استقبال به آن در نماز روا شمرده نمی‌شود.<sup>۳</sup> آنان سند حدیث‌های پشتوانه مخالفان را مخدوش دانسته<sup>۴</sup> و به حدیث‌هایی از امامان علیهم‌السلام درباره جزء نبودن حجر اسماعیل برای کعبه، استناد کرده‌اند.<sup>۵</sup> مدفون بودن هاجر و اسماعیل و شماری از پیامبران در این مکان، شاهدهی برای این دیدگاه است.<sup>۶</sup>

فقیهان اهل سنت نیز درباره جزء بودن حجر اسماعیل اختلاف نظر دارند. باورمندان به جزئیت هم درباره جزء بودن بخشی از حجر یا همه آن، هم‌رأی نیستند.<sup>۷</sup> حنفیان و برخی از مالکیان و شافعیان بر آنند که حتی اگر حجر جزء کعبه باشد، نماز گزار نمی‌تواند تنها به سوی آن نماز گزارد؛ زیرا وجوب استقبال به

۱. نهاية الاحکام، ج ۱، ص ۳۹۲.

۲. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۹۸؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۵۰؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۸۱.

۳. الروضة البهیة، ج ۲، ص ۲۴۹؛ مدارک الاحکام، ج ۲، ص ۱۲۲؛ الحدائق، ج ۶، ص ۳۸۱-۳۸۲.

۴. مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۱۲۹؛ مفتاح الکرامه، ج ۵، ص ۲۵۸.

۵. نک: الکافی، ج ۴، ص ۲۱۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۳.

۶. تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۲۰؛ نک: دروس فی معرفه الوقت، ص ۵۱۷-۵۱۹.

۷. نک: المغنی، ج ۳، ص ۳۹۷؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۵.

۸. المجموع، ج ۳، ص ۱۹۲-۱۹۳؛ مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۲۰۱-۲۰۳.

۹. مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۲۰۲.

۱۰. المغنی، ج ۳، ص ۳۹۷؛ کشف القناع، ج ۱، ص ۳۵۹.

۱۱. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۵۰؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۸۱.

۱۲. فقه الرضا، ص ۲۲۵؛ المقننه، ص ۴۱۹.

۱۳. نک: المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۶۹؛ السرائر، ج ۱، ص ۵۹۱.

۱۴. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۷؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۴۴؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۹۴.

طواف مستحب شمرده و اذکاری را برای آن روایت کرده‌اند.<sup>۱</sup> همچنین در وقوف به عرفات و سعی میان صفا و مروه هنگام رسیدن به آن دو، استقبال به کعبه و خواندن دعاهای ویژه از نظر فقیهان شیعه<sup>۲</sup> و اهل سنت<sup>۳</sup> مستحب است.

به باور مشهور فقیهان امامی در رمی<sup>\*</sup> جمره مستحب است رمی جمره عقبه را روبه‌روی جمره و پشت به قبله؛ و رمی دیگر جمرات را رو به قبله انجام دهد.<sup>۴</sup> دیدگاه شافعیان نیز همانند همین است، با این تفاوت که در رمی ایام تشریق<sup>\*</sup> (روزهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ ذی‌حجه) در همه جمرات، استقبال را همراه دعا و ذکر تسبیح، مستحب شمرده‌اند.<sup>۵</sup> حنبلیان و پیروان برخی مذاهب دیگر از جمله مالکیان و ظاهریان نیز استقبال را همراه دعا هنگام رمی همه جمرات، مستحب شمرده‌اند.<sup>۶</sup>

#### ◀ استقبال هنگام ذبح و نحر: فقیهان

شیعه بر آنند که هنگام ذبح یا نحر حیوان،

واجب است حیوان رو به قبله باشد.<sup>۷</sup> پشتوانه آنان، اجماع<sup>۸</sup> و نیز روایات<sup>۹</sup> است. بر این اساس، ذبح یا نحر عمدی حیوان بر خلاف جهت قبله، موجب حرمت گوشت حیوان می‌شود.<sup>۱۰</sup> البته رعایت نکردن این شرط از روی فراموشی یا جهل، موجب حرمت نمی‌شود.<sup>۱۱</sup> حدیث‌هایی نیز به این نکته تصریح کرده‌اند.<sup>۱۲</sup> اندکی از فقیهان امامی، افزون بر استقبال حیوان، به وجوب استقبال ذبح‌کننده یا نحرکننده نیز باور دارند.<sup>۱۳</sup> و برخی آن را مستحب شمرده‌اند.<sup>۱۴</sup> فقیهان متأخر شیعه استقبال او را با احتیاط سازگارتر دانسته‌اند.<sup>۱۵</sup>

به پشتوانه حدیث‌های برخی از صحابه<sup>۱۶</sup>، فقیهان همه مذاهب اهل سنت به استنجاب استقبال هنگام ذبح یا نحر حیوان باور دارند. شافعیان استقبال شخص ذبح‌کننده یا نحرکننده

۷. المقنعه، ص ۴۱۹؛ الانتصار، ص ۴۰۵؛ جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۱۱۰.

۸. الخلاف، ج ۶ ص ۵۰؛ جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۱۱۰.

۹. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۲-۱۵۳؛ ج ۲۴، ص ۲۷-۲۸.

۱۰. النهایه، ص ۵۸۳.

۱۱. النهایه، ص ۵۸۳؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۳۱۹.

۱۲. الکافی، ج ۶ ص ۲۳۴؛ التهذیب، ج ۹، ص ۵۹-۶۰.

۱۳. مستند الشیعه، ج ۱۵، ص ۴۱۱-۴۱۲؛ مستمسک العروه، ج ۵، ص ۲۲۶.

۱۴. مسالک الافهام، ج ۱۱، ص ۴۷۷.

۱۵. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۴۸؛ منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۲۸.

۱۶. المغنی، ج ۱۱، ص ۴۶.

۱. المجموع، ج ۸، ص ۱۳؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۹۲؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۸۵.

۲. المقنعه، ص ۲۵۸-۲۵۹؛ المقنعه، ص ۴۰۴-۴۰۵.

۳. الام، ج ۲، ص ۲۳۱؛ المصنّف، ابن ابی شیبّه، ج ۴، ص ۵۳۳؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۳.

۴. المختصر النافع، ص ۸۹؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۶۱۸؛ قس: الهدایه، ص ۲۴۰.

۵. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۰۸؛ اعانة الطالبین، ج ۲، ص ۳۴۷.

۶. المغنی، ج ۳، ص ۴۴۷-۴۴۸؛ تفسیر قرطبی، ج ۳، ص ۱۰.

احتضار<sup>۱۰</sup> است. چگونگی استقبال محتضر در مذاهب مالکی<sup>۱۱</sup>، حنفی<sup>۱۲</sup> و شافعی<sup>۱۳</sup> مانند استقبال میت هنگام دفن، یعنی خواباندن او بر پهلو راست است. شافعیان در برخی موارد به گونه استقبال امامیان باور دارند.<sup>۱۴</sup> نظر برتر در میان حنبلیان نیز همان دیدگاه مشهور شیعه است.<sup>۱۵</sup>

◀ **استقبال میت:** فقیهان شافعی<sup>۱۶</sup>، حنبلی<sup>۱۷</sup> و حنفی<sup>۱۸</sup> استقبال میت را در زمان غسل مستحب می دانند، به گونه ای که کف پاهای میت به سوی قبله باشد. حنبلیان استقبال میت در حال خوابیده بر پهلو راست را نیز مستحب شمرده اند.<sup>۱۹</sup> مالکیان به استحباب استقبال میت در حال غسل باور ندارند.<sup>۲۰</sup> در فقه امامی در این زمینه دو دیدگاه یافت می شود: بیشتر فقیهان<sup>۲۱</sup> به استحباب استقبال میت هنگام غسل دادن و شماری از آن ها<sup>۲۲</sup> به

را نیز مستحب می شمردند.<sup>۱</sup>

◀ **استقبال محتضر:** بیشتر فقیهان شیعه<sup>۲</sup> استقبال محتضر (فرد در حال جان دادن) را واجب و برخی<sup>۳</sup> آن را مستحب دانسته اند. از دیدگاه فقه امامی، شیوه استقبال محتضر چنین است که بر پشت خوابانده شود، به گونه ای که اگر بنشیند، رو به قبله باشد.<sup>۴</sup> این شیوه استقبال در روایات یاد شده است.<sup>۵</sup> پشتوانه باورمندان به وجوب، حدیث هایی از امام صادق علیه السلام است<sup>۶</sup> که باورداران به استحباب، سند و دلالت آن ها را مخدوش دانسته و به اجماع فقیهان شیعه نیز استناد جسته اند.<sup>۷</sup> فقیهان مذاهب اهل سنت به استحباب استقبال محتضر باور دارند.<sup>۸</sup> پشتوانه آن ها روایت های نبوی در این زمینه<sup>۹</sup> و نیز سیره حضرت زهرا علیها السلام هنگام

۱. المجموع، ج ۸، ص ۴۰۸؛ ج ۹، ص ۸۶.
۲. النهایه، ص ۶۲ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۵۳؛ ارشاد الازدهان، ج ۱، ص ۲۲۹.
۳. الخلاف، ج ۱، ص ۶۹۱ السرائر، ج ۱، ص ۱۵۸.
۴. الهدایه، ص ۱۰۵؛ مصباح المتعجد، ص ۱۸؛ المعتمر، ج ۱، ص ۲۵۹.
۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۲؛ التهذیب، ج ۱، ص ۲۸۵-۲۸۶.
۶. الکافی، ج ۳، ص ۱۲۷؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۲؛ التهذیب، ج ۱، ص ۲۸۵-۲۸۶.
۷. الخلاف، ج ۱، ص ۶۹۱ مستمسک العروه، ج ۴، ص ۱۶-۱۷.
۸. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۹۱؛ فتح العزیز، ج ۵، ص ۱۰۶؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۹۶.
۹. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۶۵۷؛ المستدرک، ج ۴، ص ۲۵۹؛ الاستذکار، ج ۴، ص ۲۴۶.

۱۰. نصب الرایه، ج ۲، ص ۲۹۶.
۱۱. رساله ابن ابی زید، ص ۲۶۳.
۱۲. البحر الرائق، ج ۲، ص ۲۹۸.
۱۳. المجموع، ج ۵، ص ۱۱۶؛ فتح العزیز، ج ۵، ص ۱۰۶-۱۰۷.
۱۴. المجموع، ج ۵، ص ۱۱۶.
۱۵. المغنی، ج ۲، ص ۳۰۴-۳۰۵؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۹۶.
۱۶. فتح العزیز، ج ۵، ص ۱۱۴.
۱۷. المغنی، ج ۲، ص ۳۱۹.
۱۸. المبسوط، سرخسی، ج ۲، ص ۵۸-۵۹.
۱۹. المبسوط، سرخسی، ج ۲، ص ۵۸-۵۹.
۲۰. مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۲۸.
۲۱. غنیة النزوع، ص ۱۰۱؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۱۱۴.
۲۲. نك: تذكرة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۴۵.

و جوب آن باور دارند.

به باور فقیهان شیعه، میت باید رو به قبله دفن شود، بدین سان که پهلوی راست او روی زمین باشد و صورت و جلو بدن او رو به قبله قرار گیرد.<sup>۱</sup> پشتوانه آن‌ها حدیث‌هایی از امامان علیهم‌السلام است.<sup>۲</sup> فقیهان شافعی<sup>۳</sup> و حنبلی<sup>۴</sup> نیز همین دیدگاه را دارند، با این تفاوت که قرار گرفتن پهلوی راست میت را بر زمین مستحب شمرده‌اند.<sup>۵</sup> مهم‌ترین دلیل آن‌ها حدیث‌های نبوی<sup>۶</sup> است. فقیهان مالکی<sup>۷</sup> و حنفی<sup>۸</sup> به استحباب استقبال میت در قبر باور دارند، با این استدلال که ادله باورمندان به وجوب کافی نیست.

#### ◀ استقبال هنگام تخلی: استقبال و نیز

استدبار قبله در زمان تخلی (فضای حاجت) از دید فقیهان شیعه<sup>۹</sup> و حنفی<sup>۱۰</sup> حرام به شمار می‌رود. دلیل این دیدگاه حدیث‌هایی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام است که به صراحت از

این کار نهی کرده‌اند.<sup>۱۱</sup> به باور فقیهان شافعی، فضای حاجت رو به قبله یا پشت به قبله در فضای باز، حرام و در فضای بسته یا محوطه دارای مانع، مکروه است.<sup>۱۲</sup> دیدگاه مقبول مالکیان نیز همین است<sup>۱۳</sup>؛ هر چند از برخی منابع آنان برمی‌آید که این کار را خواه در فضای باز و خواه بسته، مکروه می‌شمرند.<sup>۱۴</sup> پشتوانه شافعیان و مالکیان، روایت نبوی و نیز روایت‌هایی از صحابه است.<sup>۱۵</sup> حنبلیان به حرمت فضای حاجت رو به قبله در فضای باز و جواز آن در فضای بسته یا با وجود مانع میان شخص و قبله باور دارند. آنان استدبار را هنگام فضای حاجت، خواه در فضای باز و خواه بسته، جایز دانسته‌اند.<sup>۱۶</sup> پشتوانه آن‌ها حدیث‌هایی از پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و صحابه است.<sup>۱۷</sup>

#### ◀ استقبال هنگام آمیزش جنسی: از

دیدگاه فقیهان امامی<sup>۱۸</sup> و حنبلی<sup>۱۹</sup> آمیزش

۱۱. مسند احمد، ج ۵، ص ۴۱۴؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۵-۱۶؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۶.  
 ۱۲. المجموع، ج ۲، ص ۷۸-۷۹؛ روضة الطالبین، ج ۱، ص ۱۷۶.  
 ۱۳. مواهب الجلیل، ج ۱، ص ۴۰۶؛ حاشیة الدسوقی، ج ۱، ص ۱۰۹.  
 ۱۴. نک: المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۷.  
 ۱۵. مسند احمد، ج ۵، ص ۴۱۴؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۵؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۱.  
 ۱۶. المغنی، ج ۱، ص ۱۵۳-۱۵۵.  
 ۱۷. مسند احمد، ج ۵، ص ۴۱۴.  
 ۱۸. النهایه، ص ۴۸۲.  
 ۱۹. المغنی، ج ۸، ص ۱۳۶.

۱. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۷۷؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۲۳۰.  
 ۲. التهذیب، ج ۱، ص ۴۴۸؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۳۸.  
 ۳. المجموع، ج ۵، ص ۲۹۳؛ روضة الطالبین، ج ۱، ص ۶۵۰.  
 ۴. کشف القناع، ج ۲، ص ۱۶۱.  
 ۵. المجموع، ج ۵، ص ۲۹۳؛ روضة الطالبین، ج ۱، ص ۶۵۰؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۱۶۰.  
 ۶. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۶۵۷؛ المستدرک، ج ۴، ص ۲۵۹.  
 ۷. مختصر خلیل، ص ۴۵.  
 ۸. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۲۵۶-۲۵۷.  
 ۹. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۱۶.  
 ۱۰. البحر الرائق، ج ۲، ص ۵۹؛ الدر المختار، ج ۱، ص ۳۶۸-۳۶۹.

طرفین دعوا<sup>۱۵</sup> در مجلس دادرسی. بر پایه حدیثی نبوی، بهترین حالت نشستن، رو به قبله است: «خیر المجالس ما استقبال به القبلة.»<sup>۱۶</sup> گزارش شده که پیامبر ﷺ بیشتر رو به قبله می‌نشست.<sup>۱۷</sup> بر پایه حدیثی، کسی که ساعتی رو به قبله بنشیند، پاداش حج گزاران و عمره گزاران را خواهد داشت.<sup>۱۸</sup> بیشتر فقیهان امامی<sup>۱۹</sup> پشت به قبله نشستن قاضی را در مجلس قضاوت، به گونه‌ای که اصحاب دعوا رو به قبله باشند، مستحب شمرده‌اند. شماری از فقیهان اهل سنت قرار دادن رختخواب را هنگام خواب در جهت قبله مستحب دانسته‌اند.<sup>۲۰</sup>

### ◀ منابع

- احکام القرآن: ابن العربی (م. ۵۴۳ق.)، به کوشش محمد، لبنان، دار الفکر؛ ارشاد الازهران: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش الحسون، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ الاستبصار: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش؛ الاستذکار: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش سالم محمد و محمد علی، دار الکتب العلمیه؛ اعانة الطالبین: السید البکری
۱۵. المقننه، ص ۷۲۲؛ مختلف الشیعه، ج ۸، ص ۳۵۷.  
 ۱۶. الاستذکار، ج ۴، ص ۲۴۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۰۹.  
 ۱۷. الکافی، ج ۲، ص ۶۶۱.  
 ۱۸. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۰۶.  
 ۱۹. المقننه، ص ۷۲۲؛ النهایه، ص ۳۳۸؛ قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۴۲۶.  
 ۲۰. فیض القدیر، ج ۵، ص ۲۰۷.

جنسی رو به قبله یا پشت به آن مکروه است. پشتوانه امامیان حدیث‌هایی از امامان علیهم‌السلام و پشتوانه حنبلیان روایاتی از صحابه است.<sup>۲</sup> فقیهان شافعی<sup>۳</sup> و حنفی<sup>۴</sup> این کار را مکروه ندانسته‌اند. در فقه مالکی، در این زمینه دو دیدگاه دیده می‌شود: یکی جواز<sup>۵</sup> و دیگری کراهت در فضای باز.<sup>۶</sup> پشتوانه باورمندان به جواز، نبودن حدیثی در این زمینه<sup>۷</sup> و پشتوانه باورداران به کراهت، قیاس آمیزش جنسی با قضای حاجت است که ممنوعیت آن دارای دلیل است.<sup>۸</sup>

◀ **استحباب استقبال:** بر پایه روایات، هنگام برخی کارها و حالات، استقبال مستحب است؛ از جمله خوابیدن، نشستن<sup>۱۰</sup>، دعا کردن<sup>۱۱</sup>، وضو گرفتن<sup>۱۲</sup>، قرائت قرآن<sup>۱۳</sup>، نشستن قاضی<sup>۱۴</sup> به باور شماری از فقیهان، و

۱. من لا یخضره الفقیه، ج ۴، ص ۶.  
 ۲. المعنی، ج ۸، ص ۱۳۶.  
 ۳. المجموع، ج ۲، ص ۸۰؛ صحیح مسلم، نووی، ج ۲، ص ۱۵۶.  
 ۴. المجموع، ج ۲، ص ۸۰.  
 ۵. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۷.  
 ۶. مواهب الجلیل، ج ۱، ص ۴۰۴-۴۰۵.  
 ۷. المجموع، ج ۲، ص ۸۰؛ صحیح مسلم، نووی، ج ۲، ص ۱۵۶.  
 ۸. مواهب الجلیل، ج ۱، ص ۴۰۴-۴۰۵.  
 ۹. النخصال، ص ۲۶۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۸۶.  
 ۱۰. المصنف، ابن ابی شیبه، ج ۶، ص ۱۶۳-۱۶۴؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۲۵۲.  
 ۱۱. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۲۵۲.  
 ۱۲. المجموع، ج ۱، ص ۴۶۵.  
 ۱۳. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۱۲-۳۱۳.  
 ۱۴. المجموع، ج ۲، ص ۱۴۰؛ مختلف الشیعه، ج ۸، ص ۳۵۷؛ مواهب الجلیل، ج ۸، ص ۱۰۴.

الدمياطى (م. ١٣١٠ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٨ق؛ الام: الشافعى (م. ٢٠٤ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٣ق؛ الانتصار: السيد المرتضى (م. ٤٣٦ق.)، قم، النشر الاسلامى، ١٤١٥ق؛ بحار الانوار: المجلسى (م. ١١٠ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٣ق؛ البحر الرائق: ابونعيم المصرى (م. ٩٧٠ق.)، به كوشش زكريا عميرات، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٨ق؛ تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير: الذهبي (م. ٧٤٨ق.)، به كوشش عمر عبدالسلام، بيروت، دار الكتاب العربى، ١٤١٠ق؛ تاريخ طبرى (تاريخ الامم و الملوك): الطبرى (م. ٣١٠ق.)، به كوشش گروهى از علماء بيروت، اعلمى، ١٤٠٣ق؛ التبيين: الطوسى (م. ٤٦٠ق.)، به كوشش العاملى، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ تحرير الاحكام الشرعيه: العلامة الحلى (م. ٧٢٦ق.)، به كوشش بهادرى، قم، مؤسسة الامام الصادق (ع)؛ ١٤٢٠ق؛ تحرير الوسيله: امام خمينى (م. ١٣٦٨ش.)، نجف، دار الكتب العلميه، ١٣٩٠ق؛ تحفة الفقهاء: علاء الدين السمرقندى (م. ٥٣٥/٥٣٩ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٤ق؛ تذكرة الفقهاء: العلامة الحلى (م. ٧٢٦ق.)، قم، آل البيت (ع)؛ ١٤١٤ق؛ تفسير قرطبى (الجامع لاحكام القرآن): القرطبى (م. ٦٧١ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٥ق؛ تلخيص الحبير: ابن حجر العسقلانى (م. ٨٥٢ق.)، دار الفكر؛ التوحيد: الصدوق (م. ٣٨١ق.)، به كوشش حسينى تهرانى، قم، جامعه مدرسين؛ تهذيب الاحكام: الطوسى (م. ٤٦٠ق.)، به كوشش موسوى و آخوندى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٥ش؛ جامع المقاصد: الكركى (م. ٩٤٠ق.)، قم، آل البيت (ع)؛ ١٤١١ق؛ الجامع للشرائع: يحيى بن سعيد الحلى (م. ٩٠ق.)، به كوشش گروهى از فضلا، قم، سيد الشهداء، ١٤٠٥ق؛ جواهر الكلام: النجفى (م. ٢٦٦ق.)، به كوشش قوجانى و ديگران، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ حاشية

الدسوقي: الدسوقي (م. ١٣٣٠ق.)، احياء الكتب العربيه؛ حاشية رد المحتار: ابن عابدين (م. ٢٥٢ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ الحدائق الناضرة: يوسف البحرانى (م. ١١٨٦ق.)، به كوشش آخوندى، قم، نشر اسلامى، ١٣٦٣ش؛ الخصال: الصدوق (م. ٣٨١ق.)، به كوشش غفارى، قم، نشر اسلامى، ١٤١٦ق؛ الخلاف: الطوسى (م. ٤٦٠ق.)، به كوشش خراسانى و ديگران، قم، نشر اسلامى، ١٤١٨ق؛ الدر المختار: الحصكفى (م. ١٠٨٨ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ الدروس الشرعية: الشهيد الاول (م. ٧٨٦ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١٢ق؛ دروس فى معرفة الوقت و القبلة: حسن حسن زاده املى، قم، جامعه مدرسين، ١٤١٦ق؛ دعائم الاسلام: النعمان المغربى (م. ٣٦٣ق.)، به كوشش فيضى، قاهره، دار المعارف، ١٣٨٣ق؛ ذكرى: الشهيد الاول (م. ٧٨٦ق.)، قم، آل البيت (ع)؛ ١٤١٩ق؛ الرسائل التسع: المحقق الحلى (م. ٧٦٦ق.)، به كوشش استادى، قم، مكتبة النجفى، ١٤١٣ق؛ رسالة ابن ابي زيد: القيروانى (م. ٣٨٩ق.)، بيروت، المكتبة الثقافيه؛ الروضة البهيه: الشهيد الثانى (م. ٩٦٥ق.)، به كوشش كلانتر، قم، مكتبة الداورى، ١٤١٠ق؛ روضة الطالبين: النووى (م. ٦٧٦ق.)، به كوشش عادل احمد و على محمد، بيروت، دار الكتب العلميه؛ السرائر: ابن ادريس (م. ٥٩٨ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١١ق؛ سنن ابن ماجه: ابن ماجه (م. ٢٧٥ق.)، به كوشش محمد فؤاد، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٣٩٥ق؛ سنن ابي داود: السجستانى (م. ٢٧٥ق.)، به كوشش سعيد محمد اللحام، بيروت، دار الفكر، ١٤١٠ق؛ سنن الترمذى: الترمذى (م. ٢٧٩ق.)، به كوشش عبدالوهاب، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٢ق؛ السنن الكبرى: البيهقى (م. ٤٥٨ق.)، بيروت، دار الفكر؛ شرائع الاسلام: المحقق الحلى (م. ٧٦٦ق.)، به كوشش سيد صادق شيرازى، تهران، استقلال، ١٤٠٩ق؛

المختصر النافع: المحقق الحلبي (م.١٦٧٦ق.)، تهران، البعث، ١٤١٠ق؛ مختصر خليل: محمد بن يوسف (م.٨٩٧ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٦ق؛ مختلف الشيعة: العلامة الحلبي (م.٧٢٦ق.)، قم، النشر الاسلامي، ١٤١٢ق؛ مدارك الاحكام: سيد محمد بن علي الموسوي العاملي (م.١٠٠٩ق.)، قم، آل البيت (عليه السلام)، ١٤١٠ق؛ المدونة الكبرى: مالك بن انس (م.١٧٩ق.)، مصر، مطبعة السعادة؛ المراسم العلوية: سار حمزة بن عبدالعزيز (م.٤٤٨ق.)، به كوشش حسيني، قم، المجمع العالمي لأهل البيت (عليه السلام)، ١٤١٤ق؛ مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام: الشهيد الثاني (م.٩٦٥ق.)، قم، معارف اسلامي، ١٤١٦ق؛ المستدرک على الصحيحين: الحاكم النيشابوري (م.٤٠٥ق.)، به كوشش مرعشلي، بيروت، دار المعرفة، ١٤٠٦ق؛ مستدرک الوسائل: النوري (م.١٣٢٠ق.)، بيروت، آل البيت (عليه السلام)، ١٤٠٨ق؛ مستمسک العروة الوثقى: سيد محسن حكيم (م.١٣٩٠ق.)، قم، مكتبة النجفي، ١٤٠٤ق؛ مستند الشيعة: احمد النراقي (م.١٢٤٥ق.)، قم، آل البيت (عليه السلام)، ٤١٥ق؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م.٢٤١ق.)، بيروت، دار صادر؛ مصباح المتجهد: الطوسي (م.٤٦٠ق.)، بيروت، فقه الشيعة، ١٤١١ق؛ المصنّف: ابن ابي شيبه (م.٢٣٥ق.)، به كوشش سعيد محمد، دار الفكر، ١٤٠٩ق؛ معاني الاخبار: الصدوق (م.٣٨١ق.)، به كوشش غفاري، قم، انتشارات اسلامي، ١٣٦١ش؛ المعتبر: المحقق الحلبي (م.٦٧٦ق.)، مؤسسه سيد الشهداء، ١٣٦٣ش؛ مغنى المحتاج: محمد الشرييني (م.٩٧٧ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٣٧٧ق؛ المغنى: عبدالله بن قدامه (م.٦٢٠ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية؛ مفتاح الكرامه: سيد محمد جواد العاملي (م.١٢٢٦ق.)، به كوشش خالصي، قم، نشر اسلامي، ١٤١٩ق؛ المقنع: الصدوق (م.٣٨١ق.)، قم، مؤسسة الامام الهادي (عليه السلام)، ١٤١٥ق؛ المقنع:

الصالح: الجوهري (م.٣٩٣ق.)، به كوشش العطار، بيروت، دار العلم للملايين، ١٤٠٧ق؛ صحيح البخاري: البخاري (م.٢٥٦ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠١ق؛ صحيح مسلم بشرح النووي: النووي (م.٦٧٦ق.)، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٤٠٧ق؛ صحيح مسلم: مسلم (م.٢٦١ق.)، بيروت، دار الفكر؛ الطبقات الكبرى: ابن سعد (م.٢٣٠ق.)، بيروت، دار صادر؛ العروة الوثقى: سيد محمد كاظم يزدي (م.١٣٣٧ق.)، قم، النشر الاسلامي، ١٤٢٠ق؛ العين: خليل (م.١٧٥ق.)، به كوشش المخزومي و السامرائي، دار الهجره، ١٤٠٩ق؛ غنية النزوع: الحلبي (م.٥٨٥ق.)، به كوشش بهادري، قم، مؤسسه امام صادق (عليه السلام)، ١٤١٧ق؛ فتح العزيز: عبدالكريم بن محمد الرافي (م.٢٣٣ق.)، دار الفكر؛ فقه الرضا (عليه السلام): علي بن بابويه (م.٣٢٩ق.)، مشهد، كنگره جهاني امام رضا (عليه السلام)، ١٤٠٦ق؛ فقه الصادق (عليه السلام): سيد محمد صادق روحاني، قم، دار الكتاب، ١٤١٣ق؛ فيض القدير: المناوي (م.١٠٣١ق.)، به كوشش احمد عبدالسلام، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٥ق؛ قرب الاسناد: الحميري (م.٣٢٩ق.)، قم، آل البيت (عليه السلام)، ١٤١٣ق؛ قواعد الاحكام: العلامة الحلبي (م.٧٢٦ق.)، قم، النشر الاسلامي، ١٤١٣ق؛ الكافي: الكليني (م.٣٢٩ق.)، به كوشش غفاري، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧٥ش؛ كشاف القناع: منصور البهوتي (م.١٠٥١ق.)، به كوشش محمد حسن، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م.٧١١ق.)، قم، ادب الحوزه، ١٤٠٥ق؛ المبسوط في فقه الاماميه: الطوسي (م.٤٦٠ق.)، به كوشش بهبودي، تهران، المكتبة المرتضويه؛ المبسوط: السرخسي (م.٤٨٣ق.)، بيروت، دار المعرفة، ١٤٠٦ق؛ مجمع الفائدة و البرهان: المحقق الاردبيلي (م.٩٩٣ق.)، به كوشش عراقي و ديگران، قم، انتشارات اسلامي، ١٤١٦ق؛ المجموع شرح المذهب: النووي (م.٦٧٦ق.)، دار الفكر؛

المفید (م. ۱۳ق. ۱۴۱۳)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ منهج الصالحین: سید محمد سعید الحکیم، بیروت، دار الفقه، ۱۴۱۵ق؛ مواهب الجلیل: الحطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ المذهب البارع: ابن فهد الحلّی (م. ۸۴۱ق.)، به کوشش العراقی، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق؛ نصب الرایه: الزیلعی (م. ۷۶۲ق.)، به کوشش ایمن صالح، قاهره، دار الحدیث، ۱۴۱۵ق؛ النهایه: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش آقا بزرگ تهرانی، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ق؛ نیل الاوطار: الشوکانی (م. ۱۲۵۵ق.)، بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۳م؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۰۴ق.)، قم، آل البیت (ع. ۱۴۱۲ق؛ الهدایه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، قم، مؤسسه الامام الهادی (ع. ۱۴۱۸ق.

علی اکبر مؤمنی، محمد قدیریان



## استقبال حجر: روی آوردن به حجرالاسود، از مستحبات مسجدالحرام

استقبال حجر ترکیبی است از «استقبال» از ریشه «ق - ب - ل» به معنای روی کردن، پیش رفتن<sup>۱</sup> یا روی کردن با رغبت<sup>۲</sup> و «حجر» که در این جا مقصود حجرالاسود<sup>۳</sup> است. این ترکیب به معنای روی کردن به حجرالاسود

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۵۱؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۵۳۷، «قبل»؛ لغتنامه، ج ۲، ص ۱۸۴۰، «استقبال».

۲. التحقیق، ج ۹، ص ۱۸۶-۱۸۸، «قبل».

است که از مستحبات مسجدالحرام به شمار می رود و در روایت هایی به آن سفارش شده و پیامبر (ص) به این شیوه رفتار کرده است.<sup>۳</sup>

بر پایه روایتی، رکن حجر مهم ترین رکن کعبه است که حجرالاسود در آن نهاده شده<sup>۴</sup> و سرآغاز و فرجام طواف است.<sup>۵</sup> از این رو، شماری از فقیهان شیعه به استحباب و برتری استقبال رکن حجرالاسود به هنگام نماز گزاردن درون کعبه فتوا داده اند.<sup>۶</sup> بر پایه روایت هایی، سبب این اهمیت، پیمان گرفتن خدا از مردم در این مکان در جهان ذر (اعراف/۷، ۱۷۲) پیش از بنای کعبه است.

افزون بر این، حجرالاسود را دست راست خدا در زمین خوانده اند که استلام<sup>\*</sup> آن همانند بیعت با خدا است.<sup>۷</sup> بر پایه روایات، اگر کسی نتواند از نزدیک آن را لمس کند، استقبال و اشاره به آن جایگزینی برای استلام آن است.<sup>۸</sup> برخی با این تحلیل که هر چیز در جهان ماده نمونه ای در جهان بالا دارد، استقبال

۳. الکافی، ج ۴، ص ۴۰۳-۴۰۴؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰؛ الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۳۸۴.

۴. الکافی، ج ۴، ص ۱۸۵-۱۸۶؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۱-۴۳۲.

۵. الکافی، ج ۴، ص ۴۰۴؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۸۸.

۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۴؛ الحدائق، ج ۶، ص ۲۸۱؛ ریاض المسائل، ج ۳، ص ۱۱۶.

۷. الکافی، ج ۴، ص ۱۸۵؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۲۴، ۴۳۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۱۷، ۳۳۹.

۸. الکافی، ج ۴، ص ۴۰۳؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۷۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۱۶-۳۱۷.